



برنامه «رنگ زندگی در بافت فرسوده»
گامی مؤثر در تدوین سند توسعه محلات امام هادی (ع) و خاتم الانبیا (ص) برداشت

محله رنگی کودکان

۱۰



آرزو دارم پارک، سرسره، شهر بازی و فضاهای تفریحی بیشتری به محله اضافه شود.

●● توسعه به زندگی واقعی نزدیک تر می شود

ایمان الهی، کارشناس دفتر شهرداری دفتر توسعه محله خاتم الانبیا (ص)، یکی از افرادی است که در برگزاری این جشنواره نقش داشته است. او می گوید: در این طرح، پس از یک هفته نقاشی ها را جمع کردیم و ماکت ها و کار دستی ها را در مدارس گذاشتیم و به آثار برتر جایزه دادیم. سپس به صورت کارشناسی موضوعات تکرار شده را کدگذاری کردیم تا دریابیم بچه ها از چه چیزهایی ناراضی اند و چه چیزهایی را دوست دارند.

نتیجه تحلیل نقاشی ها نشان داد که کودکان بیش از هر چیز از نبود فضای بازی و ورزش، پراکندگی زباله ها، تراکم زیاد و اعتیاد در محله شان گلایه دارند.

الهی بابیان اینکه این یافته ها اکنون در حال ترجمه شدن به زبان برنامه ریزی شهری هستند، می افزاید: مثلاً وقتی بچه ها از تاب و سرسره و مسیر دوچرخه سواری حرف می زنند، یعنی ما باید در سند توسعه برای زمین های ورزشی روباز برنامه ریزی کنیم. یا اگر از زباله شکایت دارند، باید بحث فرهنگ سازی و جانمایی مناسب مخازن زباله را جدی بگیریم.

به گفته کارشناس شهرداری دفتر توسعه محله، مشارکت کودکان در چنین طرح هایی فقط جنبه نمادین ندارد، بلکه نگاه واقعی نسل آینده را وارد تصمیم گیری شهری می کند؛ وقتی پای بچه ها وسط باشد، توسعه از معیار عدد بیرون می آید و به رنگ زندگی نزدیک تر می شود.

دارند باشد. البته با ساخت کار دستی و ماکت هم مشارکت کردند.

●● شهر بازی و استخر بسازند

در کلاس های دبستان دارالعلم و دیگر مدارس محله، بچه ها با مدار رنگی و کار دستی، محله شان را بازآفرینی کردند. هر نقاشی و ماکت، روایت صادقانه ای از زندگی روزمره و آرزوهای کودکان است. پویان آرکدی یکی از دانش آموزان کلاس چهارم مدرسه دارالعلم است. او یک ماکت از محله اش ساخته است که مسجد و دیگر اجزای محل در آن دیده می شوند. پویان می گوید: دوست دارم در محله استخر بسازند تا بچه ها بتوانند بازی کنند و محله زیباتر شود.

امیرحسین ابوالفضلی هم در کار دستی ای که از محله اش ساخته، ساختمان ها و مجتمع های مختلف را نشان داده است. او می گوید: در محله ما داروخانه، نانوائی، آتش نشانی و مدرسه وجود دارد، اما



شا هیان ا در یکی از کلاس های دبستان حاج علی اکبر حسن زاده اصفهانی، بچه ها پشت میزهایشان نشسته اند. روی میزها جعبه های مدادرنگی پخش است و برگه های سفید کم کم پر می شود؛ ساختمان ها، مسجد ها، کوچه ها، درخت ها و تاب هایی که در نقاشی هایشان جایی میان واقعیت و خیال آن ها معلق مانده اند. هر کودک دبستانی دو نقاشی از محله اش می کشد؛ همان طور که هست و همان طور که دوست دارد باشد. شاید این کار خیلی دور از طرح های پژوهشی به نظر برسد، ولی در واقع کار این کودکان، بخشی از طرح «رنگ زندگی» است؛ برنامه ای که دفتر تسهیلگری محلات امام هادی (ع) و خاتم الانبیا (ص) برای بهبود بافت های فرسوده اجرا کرده است.

●● نگاه صادقانه بچه ها

در قالب این برنامه، دفتر تسهیلگری میان چهار دبستان مسابقه نقاشی برگزار کرد؛ دو مدرسه دخترانه حاج علی اکبر حسن زاده اصفهانی و دارالفنون و دو مدرسه پسرانه کوهساری و دارالعلم.

آذین مستوفی، مدیر دفتر توسعه محله و دارای مدرک دکترای شهرسازی، درباره جزئیات این طرح می گوید: دفتر تسهیلگری ما زیرمجموعه سازمان بازآفرینی شهری است و هدفش تدوین سند توسعه محلات کم برخوردار است. اما این بار تصمیم گرفتیم در گام اول سراغ بچه ها برویم. چون نگاه صادقانه آن ها، واقعیت محله را بی پرده نشان می دهد. او توضیح می دهد: از بچه ها خواسته شد محله یا کوچه شان را در دو حالت نقاشی کنند؛ جوری که امروز است و آن طور که آرزو

نوجوان موفق رزمی کار محله شقایق یک، از جو باشگاهش می گوید

پشتم به دوستانم گرم است



امید محله

●● تا حالا پیش آمده است که با استفاده از این رشته، از خودت دفاع کرده باشی؟

یک بار با بچه همسایه مان دعوایمان شد و او مدام من را هل می داد. چند بار بهش گفتم این کار را نکنند. اما ادامه داد و من هم باتکنیک بدون اینکه آسیبی ببینم، طوری او را به عقب هدایت کردم که فقط بفهمد می توانم از خودم دفاع کنم.

●● اولین مقامی که گرفتی، مال کی بود؟

شهریور پارسال، دوسه ماهه بود که داشتم تمرین می کردم. موقع مسابقات، مربی ام من را هم فرستاد و مقام دوم استان را به دست آوردم.

●● فضای مسابقات برایت سخت و استرس آور نبود؟

چرا. اولش یک کم، ولی با هم باشگاهی هایم خیلی هوای یکدیگر را داریم. اگر کسی ببازد، می رویم

فهمیده شهری اکسانی که در رشته های رزمی کار می کنند، همیشه پر شور و شور نیستند. بعضی هایشان مثل یسنا توپکانلو این قدر ساکت و آرام هستند که گمان نمی کنی اهل رزم باشند. اما این دانش آموز محله شقایق یک، در سال گذشته که ورزش ها پیکدو را شروع کرده، دو مقام استانی و یک مقام کشوری کسب کرده است. یسنا در کلاس پنجم درس می خواند و علاوه بر ورزش، به نقاشی علاقه زیادی دارد. او گاهی مدت ها پای کاغذ و قلم می نشیند و تصاویر مختلف سیاه قلم را می کشد.

●● چه شد که رفتی ورزش ها پیکدو؟

باشگاهش کنار خانه مان بود. کنجکا و شدم و وقتی رفتم فضایشان را دیدم، خوشم آمد.

●● چه چیزی باعث شد به آن فضا علاقه مند شوی؟

دیدم اگر آن را یاد بگیرم، می توانم از خودم دفاع کنم. مربی مان، خانم زهرآهن پیشه، هم نکات اخلاقی خوبی به بچه ها می گفت که خوشم آمد.

●● یکی از آن نکات که ملکه ذهنت شده است، می گویی؟

فقط برد مهم نیست. یک وقت هایی باخت می تواند به اندازه برد تأثیرگذار باشد.



دلداري اش می دهیم. وقتی هم داریم مسابقه می دهیم، یکدیگر را تشویق می کنیم. این ها باعث می شده که استرس کم شود و پشتم به دوستانم گرم باشد.

●● ورزش ها پیکدو چه تأثیری روی اخلاقت گذاشته است؟

شجاع تر شده ام و اراده ام بیشتر شده است. علاوه بر این، بیشتر درس می خوانم و نمره هایم بهتر شده است.

●● تا حالا از چیزی در این رشته ناراحت شده ای؟

از بی عدالتی داورها خیلی ناراحت می شوم. بیشتر داورها خوب هستند، اما بعضی هایشان که نا عدالتی می کنند، باعث می شوند فردی که زحمت کشیده است، به حقش نرسد.

●● برنامه غذایی خاصی داری؟

از بیست روز قبل مسابقات، مادرم فقط غذاهای مقوی به من می دهد. یک وقت هایی هله هوله می خورم، ولی زیاد نه.

●● به جز ورزش به چه چیزی علاقه مند هستی؟

نقاشی. سیاه قلم را بدون اینکه کلاس بروم، یاد گرفته ام. تصاویر چهره، حیوانات، منظره، اشیاء... رامی کشم. نقاشی های مناسبتی مدرسه مان را هم من می کشم.

●● در اوقات فراغت دوست داری چه کار کنی؟

با مامانم بروم پیاده روی. پارک خورشید نزدیک خانه مان است و دوست دارم همین طوری در آن راه برویم.

●● برنامه ات برای آینده چیست؟

می خواهم یک مربی خوب در رشته ها پیکدو بشوم. درسم را هم می خوانم و دوست دارم بتوانم برای کشورم افتخار آفرینی کنم.